

سید اسدالله اطهری مریان - بدری دهقانی\*

#### چکیده:

موضوع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، بحث‌های آکادمیک و اجرایی فراوانی را در این کشور دامن زده است. مراکز قدرت در ترکیه در این مورد به دنبال نوعی اجماع ملی هستند، ولی هنوز موانع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مهمی در این مورد وجود دارد. موانع در این زمینه عبارت است از: مذهبی، سیاسی، اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی، اگرچه به نظر می‌رسد مسایل مذهبی-هویت‌محور مهم‌ترین مانع باشد. با عنایت به این نکات، سناریوهای اساسی در مورد آینده ترکیه در اتحادیه اروپا مطرح شده که عبارتند از: با سرعت زیاد به پیش، انحراف حداقلی از مسیر، برخورد دایمی کلان، و مسیر فرعی، که در پایان این مقاله بدانها پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: سیاست خارجی ترکیه، اتحادیه اروپا، شراکت راهبردی، اصلاحات،

دموکراسی نظامی، ایدئولوژی کمالیسم

\* پژوهشگر ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد - واحد اندیشک  
فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال پانزدهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۶۴-۴۱

عضویت و سپس الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا از ابتدای تأسیس جامعه اروپایی، به ویژه از زمان معاهده رم، مطرح بوده است، ولی نتیجه تلاشهای مقامهای ترکی صرفاً به انعقاد موافقتنامه ترکیه و جامعه اقتصادی اروپا منجر شد و این کشور تنها به عنوان یک شریک مطرح شد. ترکیه بار دیگر در سال ۱۹۸۷ تقاضای عضویت خود را به اروپا ارایه داد، ولی این بار نیز مورد مخالفت قرار گرفت. شاخصهایی چون وضعیت اقتصادی این کشور، نقض حقوق بشر، سرکوب اقلیتها، عدم ثبات سیاسی، دخالت نظامیان در سیاست و غیره مانع عضویت ترکیه گردید. فروپاشی اتحاد شوروی، امضای پیمان ماستریخت در دسامبر ۱۹۹۲، تشکیل اتحادیه اروپا، اجلاس کینهاگ در سال ۱۹۹۳ و تغییر معیارهای عضویت، موجب گردید که ترکیه بار دیگر در سال ۱۹۹۶ مسئله عضویت خویش را مطرح کند. در همین سال، ترکیه به عنوان یکی از کشورهای نامزد عضویت درآمد و شورای اروپا نیز در همین سال، کمیسیون اروپا را موظف کرد که از سال ۱۹۹۸ به بعد سالانه گزارش وضعیت نامزدهای عضویت را ارایه دهد تا این گزارشها در اجلاس سران یا شورای وزیران مورد بررسی قرار گیرد و تصمیمهای لازم جهت شروع گفتگوهای دوجانبه برای عضویت اتخاذ گردد. با توجه به مقدمه مذکور، مراددهای ترکیه با نهادهای اروپایی و نگرش نهادهای قدرت در ترکیه نسبت به اتحادیه را یادآور می شویم، سپس به این سؤال می پردازیم که موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا کدامند؟ و اینکه آیا ترکیه شریک راهبردی اتحادیه اروپا خواهد شد یا به عضویت کامل آن در خواهد آمد؟ فرضیه مورد نظر مقاله این است که، مسئله هویت مانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپاست.

### ترکیه و نهادهای اروپایی

ترکیه در تاریخ ۱۹۴۹/۸/۹ یعنی درست سه ماه بعد از شکل گیری شورای اروپا، به جمع کشورهای عضو این نهاد اروپایی پیوست و عنوان یازدهمین عضو را به خود اختصاص داد.<sup>۱</sup> ترکیه در فوریه ۱۹۵۲ به ناتو پیوست و عضویت سازمان همکاری اقتصادی اروپا، کنفرانس امنیت و همکاری اروپا و بانک توسعه و بازسازی اروپا را نیز به دست آورد.<sup>۲</sup> زمانی که

در سال ۱۹۶۳ توافقنامه‌ای با جامعه اقتصادی اروپا امضا شد، امکان عضویت ترکیه در جوامع اروپایی پدید آمد. ترکیه مدت زیادی خواستار عضویت در اتحادیه اروپا بود و عضویت در این اتحادیه تجسم نهایی طرح غربی شدن ترکیه تلقی می‌شد که از اوایل تأسیس انقلاب ترکیه در سال ۱۹۲۳ خواهان آن بود.<sup>۳</sup>

در سپتامبر ۱۹۸۶، ملاقات سران ترکیه و جامعه اقتصادی اروپا باعث احیای دوباره فرایند الحاق ترکیه به جامعه اروپا شد که در پی تهاجم ۱۹۷۴ به قبرس، معلق مانده بود. در ۱۴ آوریل ۱۹۸۷، ترکیه تقاضای رسمی عضویت کامل خود را تسلیم شورای وزیران جامعه اروپا کرد.<sup>۴</sup> کمیسیون اروپا نیز نظر خود را درباره وضعیت اقتصادی این کشور در ۱۸ دسامبر ۱۹۸۹ به شورای وزیران ارایه نمود. براساس نظریه اعضای کمیسیون، عوامل زیر مانع عضویت کامل ترکیه اعلام شد: الف. کافی نبودن سطح پیشرفتهای اقتصادی در مقایسه با میزان رشد جمعیت این کشور؛ ب. افزایش بی‌رویه جمعیت و نرخ بالای بیکاری؛ ج. افزایش نرخ تورم؛ و د. عدم وجود نظام توزیع درآمد مناسب.<sup>۵</sup> بنابر نظر کمیسیون اروپا، جامعه اروپا همکاریهای خود را با ترکیه ادامه داد، و برای پیشبرد این هدف چهار پیشنهاد در ۵ فوریه ۱۹۹۱ به تصویب شورای وزیران رسید که عبارتند از: الف. تکمیل وحدت گمرکی تا سال ۱۹۹۵؛ ب. ازسرگیری و افزایش همکاریهای مالی؛ ج. افزایش همکاریهای صنعتی و فنی در زمینه‌های حمل و نقل و ارتباطات و انرژی و محیط زیست؛ و د. توسعه روابط سیاسی و فرهنگی.<sup>۶</sup>

بدین ترتیب پیشنهاد دولت ترکیه برای عضویت کامل پذیرفته نشد و بنابر تصمیم کمیسیون اروپایی جامعه اروپا، یک دوره انتظار برای ترکیه آغاز شد تا این کشور بتواند به سطح استانداردهای لازم در توسعه اقتصادی برسد. در سال ۱۹۹۹ به ترکیه، عنوان نامزد عضویت کامل در اتحادیه اروپا داده شد. نشست هلسینکی راه و هدفی تازه پیش روی ترکیه نهاد و مجموعه جدیدی از واژگان تخصصی را وارد گفتمان ترک‌ها کرد. آنها باید معیارهای کپنهاگ را که بر استانداردهای دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر، اقتصاد بازار و حمایت از اقلیتها بود، مورد توجه قرار می‌دادند.<sup>۷</sup> شورای اروپا در دسامبر سال ۲۰۰۲ در کپنهاگ

درباره موضوع پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا چنین تصمیم گرفت: «اگر شورای اروپا در دسامبر ۲۰۰۴ براساس گزارش و توصیه کمیسیون اروپا به این نتیجه برسد که ترکیه شرایط حیاتی اعلام شده در کپنهاگ را محقق کرده است، اتحادیه اروپا بی درنگ مذاکرات درباره پذیرش این کشور را آغاز می کند.»<sup>۱</sup> حال، نکته اینجاست که نگرش نهادهای قدرت در ترکیه مانند: شورای امنیت ملی، ریاست جمهوری، نخست وزیری و توسیعاد<sup>(۱)</sup> و موسیعاد<sup>(۲)</sup> نسبت به اتحادیه اروپا چه می باشد؟

### شورای امنیت ملی

یکی از مسایل مهمی که به ترکیه اجازه نمی دهد جامعه مدنی به عنوان پیش شرط اول دموکراسی رشد یابد، قدرت دخالت ارتش در اداره کشور است. ارتش ترکیه خود را کفیل هنجارهای غیرمذهبی آتاتورک تلقی می کند و از طریق «شورای امنیت ملی» که از نفوذ قابل توجهی در امور کشور برخوردار است، موقعیت برتر خود را حفظ کرده، عملاً نهادینه شده و جزء پیکره مدیریت کشور به شمار می رود.<sup>۹</sup> اگرچه نظامیان در ظاهر و برای نشان دادن پایبندی خود به اصول آتاتورک مبنی بر غربی شدن، از پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا حمایت می کنند، بسیاری از آنها تحقق چنین امری را نقطه شروع افت موقعیت نظامیان و نیز ایدئولوژی کمالیسم می دانند. به همین دلایل از دهه ۱۹۹۰ و هم زمان با جدی تر شدن بحث ورود ترکیه به اتحادیه اروپا، مواضع نظامیان نیز در تفسیر و حمایت از کمالیسم تندتر و بنیاد گرایانه تر شده است. آنچه در حال حاضر باعث شده آنان در برخورد با اصلاحات صورت گرفته مواضع معتدلی اتخاذ کنند، نخست ترس از افت جایگاه نزد افکار عمومی، و دوم نامناسب بودن محیط منطقه ای و بین المللی برای پیشبرد اهداف آنهاست.<sup>۱۰</sup>

حزب عدالت و توسعه (AKP) به رهبری اردوغان، با بخشی از تلاشش برای شروع گفتگو با اتحادیه اروپا، وظیفه دشوار کاهش نقش نیروهای نظامی در سیاستهای این کشور را

1. Tusiad  
2. Musiad

عاهده دار است. این وظیفه به ویژه برای دولتمردان حزب عدالت و توسعه دشوارتر است؛ چون از سوی موسسه های سکولاریست و نیروهای نظامی به دیده شک به آنها نگاه می شود.<sup>۱۱</sup> مجلس در جولای ۲۰۰۳ اصلاحات هفتم را به امید محدود کردن نقش نیروهای نظامی تصویب کرد، اما گزارش مجمع اروپا درباره ترکیه که در تاریخ ۵ نوامبر ۲۰۰۳ منتشر شد، معتقد است که این اصلاحات باید به شکل مؤثری به کار بسته شوند؛ یعنی نمایندگان نیروهای نظامی از موسسه های غیر نظامی بیرون کشیده شوند و مجلس کنترل کامل بر بودجه دفاعی را به دست گیرد. اگرچه نشانه ای از دخالت نیروهای نظامی در اصلاحات به چشم نمی خورد، پیغامهای ارتش درباره کاهش نقش آن در سیاست کشور منفی است.<sup>۱۲</sup>

امروزه ارتش ترکیه که هوادار غرب هم به شمار می آید، از آن نگران است که اصلاحات مطرح شده از سوی اتحادیه اروپا به مشروعیت یافتن هر چه بیشتر اسلام گرایان میانه رو و حتی خیزش کردها در درون کشور منجر شود. در عین حال، ارتش ترکیه که از احترامی فوق العاده در بین مردم برخوردار است و سالم ترین نهاد کشور محسوب می شود، در سالهای اخیر چشم انداز دموکراتیک خود را وسعت بخشیده و همپای تحولات سیاسی متحول شده است.<sup>۱۳</sup> نتیجه اینکه ارتش تا به امروز یکی از مخالفان سرسخت ورود ترکیه به اتحادیه اروپاست؛ زیرا از ضرورت های ورود ترکیه به اتحادیه اروپا، کاهش نقش ارتش است و کاهش نقش ارتش به معنای ایجاد فضای لازم برای تشکیل جامعه مبتنی بر دموکراسی و ازدست دادن نقش محوری در سیاست های کلی نظام است. واقعیت این است که تا زمانی که ارتش نقش فوق حکومتی خود را ایفا کند، ترکیه نمی تواند به سمت یک جامعه دموکراتیک و تکثرگرا پیش برود.

### نهادهای ریاست جمهوری و نخست وزیری

کودتاها و مداخلات ارتش در ترکیه در زمان معاصر به سال ۱۹۶۰ بر می گردد؛ زمانی که ارتش، حکومت «عدنان مندرس»، نخست وزیر از حزب دموکرات، را سرنگون ساخت. در سال ۱۹۷۱، ژنرالها با صدور بیانیه تهدیدآمیزی دولت را مجبور به استعفا کردند و نخست وزیری را که مورد تأییدشان بود بر سر کار آوردند. در سال ۱۹۸۰، ژنرالها بار دیگر

تانکها را روانه خیابانها کردند و با دستگیری سیاستمداران حکومت نظامی اعلام نمودند. در ابتدای سال ۱۹۹۷ ارتش دوباره وارد عمل شده و در ماه فوریه ژنرالها یک مبارزه حساب شده و دقیق را برای بی ثبات کردن حکومت ائتلافی احزاب «رفاه» و «راست» در دوره نخست وزیری اربکان به راه انداختند.<sup>۱۶</sup>

هرچند «تورگوت اوزال» هم به عنوان نخست وزیر (۱۹۸۹-۱۹۸۳) و هم به عنوان رئیس جمهور (۱۹۹۵-۱۹۹۳) توانست تاحدودی در زمینه های سیاست خارجی و مسایل امنیتی بر نیروی نظامی تسلط سیاسی پیدا کند. به جز این دوره، نیروی نظامی همواره بر احزاب و دولت و روند سیاسی حاکم بود. ولی باز هم در زمان «تورگوت اوزال» شاهد حرکاتی از سوی نظامیان جهت تقویت موقعیت خود و دیکته کردن امور بر نهادهای نخست وزیری و ریاست جمهوری هستیم. به عنوان نمونه، براساس پیش نویس ماده ۱۱۸، شورای امنیت ملی باید دیدگاههای خود را درباره تصمیم گیریهای مختلف، همکاریهای لازم در مسایل مربوط به حفظ بقا و استقلال دولت، انسجام و تجزیه ناپذیری کشور و صلح و امنیت جامعه به شورای وزیران ابلاغ می نمود و دولت مجبور بود به تصمیمهای شورای امنیت ملی اولویت دهد، بنابراین هرچند شورای امنیت ملی بر مجلس کبیر ملی تسلط نداشت، بالاترین هیات تصمیم گیری غیر منتخب در درون بود.<sup>۱۷</sup> بدین ترتیب افرادی مانند ئیلماز (نخست وزیر و رئیس سابق حزب مام میهن)<sup>(۱)</sup> و تانسو چیلر (نخست وزیر و رئیس سابق حزب راه راست)<sup>(۲)</sup> هم از طرفداران پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا محسوب می شوند.<sup>۱۸</sup> تا زمانی که آتاتورک و جانشین وی - عصمت اینونو- بر ترکیه حکومت می کردند، نظامیان مهم ترین نقش را در سیاست ترکیه داشتند. از ۱۹۵۰ تاکنون، سایه سنگین نظامیان بر نهادهای نخست وزیری و ریاست جمهوری سنگینی می کند. اگرچه برخی از نخست وزیران و رئیس جمهورها تا حدی از قدرت نظامیان می کاستند، آنان از چنان قدرتی برخوردار بودند که علیه حزب و دولت وی کودتا می کردند؛ مثل کودتای ۱۹۶۰ (عدنان مندرس) و ۱۹۹۷ (اربکان).

1. ANAP  
2. DYP

خلاصه آنکه حمایت این دو نهاد مهم سیاسی از الحاق ترکیه باعث می شود از یک سو حیطه دخالت ارتش و نظامیان باز تعریف شود و از سویی دیگر، نمادهایی همچون نخست وزیری و ریاست جمهوری از استقلال عمل بیشتری برخوردار شوند.

#### بخش خصوصی: (موسیعاد و توسیعاد)

پیش از تحولات دهه ۱۹۸۰ و سیاستهای آزاد سازی اقتصادی، بخش خصوصی ترکیه شامل صاحبان صنایع بزرگ در غرب این کشور، به طور عمده با سیاستمداران و مقامات دولتی روابط نزدیکی داشت و از این طریق به موقعیت اقتصادی بهتر دست یافته بود. این افراد بیشتر در «توسیعاد» یا انجمن بازرگانان و صنعتگران ترکیه گردهم آمده بودند که گرایشهای سکولار و غربی داشت و تا حدی از یک اقتصاد نیمه دولتی حمایت می کرد. با اجرای برنامه های آزاد سازی اقتصادی، اندک اندک گروههای دیگری نیز در صدد تقویت موقعیت اقتصادی خود برآمدند. اسلام گرایان جزو اصلی ترین گروههایی بودند که با استفاده از این سیاستها به تحکیم موقعیت سیاسی خود پرداختند. این گروه به طور عمده در آناتولی مرکزی متمرکز شده و معروف به پیرهای آناتولی بودند که بعدها «موسیعاد» یا انجمن مستقل بازرگانان و صنعتگران ترکیه را تأسیس کردند که دارای گرایشهای اسلامی بود و اعضای آن را اغلب صاحبان صنایع کوچک و متوسط تشکیل می دادند.<sup>۱۴</sup> پس از نشست هلسینکی، بخش خصوصی ترکیه و در رأس آن انجمن بازرگانان و صنعتگران اصناف ترکیه (توسیعاد) یکی از مهم ترین لابی های پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا بود و با انجام ملاقاتهای متعدد با رهبران اروپا و آمریکا، خواستار آغاز مذاکرات الحاق ترکیه در ۲۰۰۵ شد، و توانست تاحدی موافقت بسیاری از رهبران اروپا را جلب کند.<sup>۱۵</sup> نتیجه گیری نظری اینکه، از یک سو بخش خصوصی (موسیعاد و توسیعاد) در ترکیه بر بازرگانی خصوصی همراه با نظارت بر حکومت تأکید می کند، و از سوی دیگر الحاق ترکیه در اتحادیه اروپا باعث گسترش بازرگانی خصوصی و نظارت بر حکومت می شود، بنابراین بخش خصوصی از الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا حمایت می کند. در واقع آنها این حمایت را برای کاهش قدرت نظامیان انجام می دهند. نکته جالب

اینجاست که بخش خصوصی با کشورهای رابطه برقرار کرد که نظامیان آنها را تهدیدی برای امنیت ملی می دانند؛ مانند روسیه، یونان و ارمنستان.

### موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا

موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا شامل موانع مذهبی، سیاسی، اقتصادی، منطقه ای و جهانی هستند که به نظر می رسد، مانع مذهبی در فرآیند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا مهم ترین است.

#### ۱. موانع مذهبی

مردم ترکیه از لحاظ مذهبی با مردم اروپا کاملاً متفاوتند. در حالی که تمام کشورهای جامعه اروپا مسیحی محسوب می شوند، ۹۸ درصد مردم ترکیه مسلمانند. اروپایی ها به سختی می توانند ترکیه را با وجود میلیونها مسلمان که دارای عاداتها، سنتها و فرهنگ اسلامی و غیراروپایی هستند، بپذیرند. پاپ در اواخر ۱۹۸۹ اعلام داشته بود: «جامعه اروپا بایستی یک جامعه مسیحی باشد.» بنابراین با توجه به روند روبه افزایش گرایشهای اسلامی، بعید به نظر می رسد اروپا مجال دهد که یک کشور مسلمان در درون جامعه مسیحی رشد کند. از این گذشته، ترکیه با ماهیت اسلامی در زمان تصمیم گیری اروپا در رابطه با بحرانشا و موضوعات مربوط به کشورهای اسلامی، ممکن است مواضع متفاوتی با جامعه اروپا اتخاذ نماید که این امر وحدت سیاسی در اتحادیه اروپا را به هم خواهد زد.

افزایش تعداد مسلمانان و خواسته های آنان در اروپا، پیامدهایی برای دو طرف دارد که برخی از آنها را می توان راهبردی قلمداد کرد. پیامد راهبردی را از آن رو می توان استفاده کرد که جمعیت مهاجر، جهت گیری کلان کشور مهاجرپذیر را تحت الشعاع قرار می دهد. وضع قانون طرد پناهندگان از سوی هلند، قانون منع حجاب از سوی فرانسه و آلمان، از جمله مواردی هستند که در سیاستهای ملی آن کشور تعیین کننده است.<sup>۱۹</sup> با این وصف، اروپایی ها معتقدند رشد جمعیت مسلمان در این قاره پیامدهای راهبردی زیر را در پی خواهد داشت:



## ۱. رشد علایق تروریستی

بسیاری از سیاست‌گذاران امنیتی در اتحادیه اروپا بر این باورند که مسلمانان به اندازه کمونیست‌ها خطرناکند و تهدید تروریستی مسلمانان جایگزین تهدید ایدئولوژیک کمونیست‌ها شده است. محرومیت مسلمانان از امکانات اولیه زندگی و احتیاج آنان به سرپناه یا درآمد کم، مهاجران را در اختیار تروریست‌ها قرار می‌دهد. بنابراین، بسیاری از مهاجران عملاً به استخدام نیروهای تروریستی در آمده و اقدام به جمع‌آوری، تخلیه، فروش و دستکاری اطلاعات می‌نمایند.

## ۲. گسترش احساسات ضد یهودی

انباشت مسلمانان در اروپا می‌تواند حس منفی اروپاییان را نسبت به یهودیان بیدار ساخته و مانع از استیلای یهودیان بر تولید اطلاعات شود. حضور مسلمانان در اروپا و فعالیت متشکل آنان علیه یهودیان ملی در سالهای اخیر، فعالیت‌های ضد یهودی را افزایش داده است. رشد مهاجرت یهودیان از اروپا به اسرائیل و آمریکا و معرفی شدن یهودیان به عنوان اولین قوم مورد تنفر اروپاییان در سال ۲۰۰۳، می‌تواند ریشه در حضور گسترده مسلمانان در اروپا داشته باشد. مقامات اروپایی، صیانت از حقوق یهودیان و اجتناب از رشد یهودستیزی را از اصول پایه‌ای سیاست داخلی عنوان می‌کنند. بنابراین اروپایی‌ها ترجیح نمی‌دهند یهودیان را فدای مسلمانان کنند، به همین خاطر مخالف حضور گسترده مسلمانند.

## ۳. تقویت احزاب راست‌گرا

رشد تعداد مسلمانان در اروپا و علاقه آنان به احزاب سوسیالیست، کارگر و دست‌چپی، سبب تقویت راست‌گرایی و ملی‌گرایی در اروپا شده و در بعضی مواقع معادلات قدرت در این قاره را به هم می‌زند. از آنجا که برخی جهت‌گیریهای مهم مانند عضویت در اتحادیه اروپا، و یا آغاز یک حرکت راهبردی مانند جنگ انگلیس علیه عراق در سال ۲۰۰۳ به رأی و نظر مردم بستگی دارد و نقش مسلمانان در این قبیل جهت‌گیریها غیرقابل انکار است، راست‌گرایان

ضمن تقبیح افزایش نقش مسلمانان، استدلال می‌کنند که کشورشان حد و مرز دارد و نمی‌توان تهیدستان مهاجر را به محافل قانون‌گذاری و مراکز تولید ثروت راهنمایی کرد.<sup>۲۰</sup> در مورد اسلام‌گرایی در ترکیه، اتحادیه اروپا با یک وضعیت دوگانه مواجه است. از یک سو، اروپایی‌ها نگران آن هستند با ورود ترکیه به اتحادیه اروپا جمعیت مسلمانان این اتحادیه به شدت افزایش پیدا کرده و خصلت مسیحی آن را تضعیف کند. از سوی دیگر، رشد اسلام‌گرایی میانه‌رو در ترکیه در صورت پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا، می‌تواند دیگر کشورهای اسلامی را به پیروی از الگوی ترکیه تشویق نماید. نتیجه بلندمدت این امر، افزایش نفوذ اروپا در جهان اسلام و در بین مسلمانان است.<sup>۲۱</sup> اروپایی‌ها نگران آن هستند که اسلام سیاسی در ترکیه روی کار آید و به این ترتیب مهار یکی از مهم‌ترین اعضای اتحادیه اروپایی را به دست گیرد. با ورود ترکیه به اتحادیه اروپا، ترکیه بزرگ‌ترین (از لحاظ جمعیت) کشور اروپایی می‌شود. تعداد کل مسلمانان اتحادیه اروپا به بیش از ۱۵/۵ میلیون نفر می‌رسد. اگر ترکیه هم به عضویت اتحادیه اروپا پذیرفته شود، نسبت جمعیت مسلمانان اتحادیه اروپا به طور جهشی افزایش یافته و به بیش از ۹۰ میلیون نفر می‌رسد؛ یعنی ۱۵ درصد جمعیت اتحادیه اروپا را مسلمانان تشکیل می‌دهند. به خاطر این دگرگونی چشمگیر است که برخی از کشورهای مهم اروپایی مانند فرانسه با آن مخالفت می‌کنند و معتقدند که ورود ترکیه به اتحادیه اروپا بحث‌های مهمی را در زمینه حقوق زنان، نسبت دین و دموکراسی، حقوق اقلیتها، و میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مطرح می‌کند.<sup>۲۲</sup> در نهایت اینکه، از یک سو مسلمانان دارای عادات و سنت‌های خاص خود می‌باشند و از سوی دیگر، برخلاف دهه‌های ۷۰ و ۸۰ صرفاً برای اشتغال و سودآوری نمی‌کوشند، بلکه بیش از پیش به ابراز وجود و طرح هویت خود می‌پردازند و این خود می‌تواند زنگ خطری باشد برای اروپا که ارزشهای اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، سکولاریسم و غیره را در معرض تهدید ببیند. جمع‌بندی آنکه، اگر تمامی موارد یا موانع دیگر برای الحاق ترکیه به اروپا حل شود، چشم‌پوشی از ماهیت اسلامی ترکیه برای اروپایی‌ها به سادگی امکان‌پذیر نیست.

## ۲. موانع سیاسی

موانع سیاسی را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد: الف. مسئله دموکراسی و حقوق بشر؛ ب. نظامیان و دخالت ارتش در سیاست؛ ج. قبرس؛ و د. نقض حقوق اقلیتها.

### الف. مسئله دموکراسی و حقوق بشر:

عدم رشد دموکراتیزاسیون و به دنبال آن عدم توجه به حقوق بشر در ترکیه، ریشه در عوامل گوناگونی دارد. می‌توانیم ادعا کنیم ضعف حقوق بشر در ترکیه تا حد زیادی معلول ایدئولوژی کمالیسم است که اصولاً در انتخاب میان شهروندان و دولت، دولت را ترجیح می‌دهد.<sup>۲۳</sup> عواملی مانع رشد دموکراسی و حقوق بشر در ترکیه می‌شوند که عبارتند از: الف. اتصالات خاورمیانه‌ای؛ ب. نظامیان؛ ج. نهادینه شدن احزاب؛ و د. فرهنگ سیاسی. حال، توضیحی کوتاه درباره نخستین عامل در پی می‌آید.

**اتصالات خاورمیانه‌ای:** جمهوری ترکیه به عنوان وارث امپراتوری عثمانی دارای اتصالات تاریخی و فرهنگی فراوانی با جوامع خاورمیانه است. بارزترین خصلت کمالیسم یعنی اقتدار دولت بیش از آنکه کنشی اروپایی باشد، سنتی خاورمیانه‌ای است. از همین رو می‌توان گفت که اتصالات ترکیه با خاورمیانه، موجب عدم توجه به حقوق بشر در ترکیه همانند جوامع خاورمیانه شده است.<sup>۲۴</sup> اتحادیه اروپا در مورد نبود دموکراسی و حقوق بشر در ترکیه به مواردی مانند وجود شکنجه، نبود آزادی بیان، وجود حکم اعدام، عدم توجه به حقوق اقلیتها و غیره اشاره می‌کند.

در همین رابطه باید گفت که یکی از قطعنامه‌های چهل و چهارمین اجلاس عادی مجمع پارلمان اروپا که در ۱۹۹۲ در بوداپست تشکیل شد، در مورد نقض حقوق بشر در ترکیه بوده است. این قطعنامه از ترکیه خواسته بود که رفتار پلیس را تحت مراقبت قرار دهد؛ زیرا مقامات کمیته مبارزه با شکنجه که در چارچوب پارلمان اروپا خدمت می‌کند، به دنبال دیدار خود از ترکیه در دسامبر ۱۹۹۲ اعلام کرده بودند که هیچ اقدامی در جهت از بین بردن شکنجه در این کشور انجام نشده است.<sup>۲۵</sup> یک مقایسه کوتاه میان جمهوری ترکیه و وضعیت

حقوق بشر در کشورهایی که نامزد ورود به اتحادیه اروپا بودند، نشان می‌دهد که به جز ترکیه و چک بقیه کشورها (اسلونی، مجارستان، لهستان، استونی، قبرس، رومانی و بلغارستان) مشکلی تحت عنوان حقوق بشر نداشته و مسایل و مشکلات آنها بیشتر اقتصادی است تا سیاسی.<sup>۲۶</sup> از آنجایی که از اواسط دهه ۱۹۸۰ به این طرف مهم‌ترین معیار در پذیرش اعضای جدید اتحادیه اروپا بیشتر سیاسی بود تا اقتصادی، ترکیه پس از نشست هلسینکی بیشترین تلاش خود را معطوف به برآوردن معیارهای کپنهاگ (دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون) کرده است. اقدامات انجام شده در این زمینه عبارتند از: لغو قانون وضعیت اضطراری، لغو محدودیتهای اعمال شده برای اقلیتهای مذهبی، قابل پیگرد بودن هر نوع شکنجه از لحاظ قانونی، امضای کنوانسیون حمایت از حقوق بشر، لغو تمامی اشکال تبعیض نژادی، معرفی قانون جدید مطبوعات، تظاهرات، انجمنها و غیره.<sup>۲۷</sup>

#### ب. نظامیان و دخالت ارتش در سیاست

همه محققان تاریخ عثمانی و ترکیه بر این اصل اجماع نظر دارند که نهاد نظامی، مهم‌ترین نیرویی است که از دیرباز در پشت تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دولت ترکیه قرار داشته است. لرنر و رایینسون درباره نقش نهاد نظامی در توسعه سیاسی عثمانی و دولت ترکیه می‌گویند: «نیروهای نظامی رهبر را تعیین می‌کردند و اقتدار نظامی، رهبر را بر سر قدرت نگه می‌داشت. روزگاری سلطان و خلیفه را و اکنون رییس‌جمهور را.»<sup>۲۸</sup>

اتحادیه اروپا در این زمینه معتقد است که ارتش ترکیه تابع نیروهای جامعه مدنی نیست و گاهی اوقات و بدون اطلاع دولت به عملیاتی که جنبه فشار دارد، متوسل می‌شود. تازمانی که ارتش نقش فوق‌حکومتی خود را ایفا کند، ترکیه نمی‌تواند به سمت یک جامعه دموکراتیک و پلورالیستی پیش برود. به عبارت دیگر، ترکیه نمی‌تواند هم‌زمان یک دولت دموکراتیک و یک دولت نظامی باشد. بنابر نظر نشریه نیویورک تایمز در نوامبر ۱۹۸۹، عبارت «دموکراسی نظامی» یک تناقض است. مداخلات نظامی به بهانه محافظت از سکولاریسم، تکامل دموکراسی متزلزل ترکیه را تضعیف کرده است و باید تهدیدی که حزب رفاه موجب آن

می شود را با این هزینه گزاف مورد مقایسه قرار داد.<sup>۲۹</sup> از سال ۱۹۶۰ تاکنون شاهد چهار مورد مداخله نظامیان در امور سیاسی ترکیه هستیم که این آسیب پذیر بودن نظام سیاسی ترکیه را نشان می دهد؛ سه مورد که پیشتر به آن اشاره شد (اقدام ارتش در سال ۱۹۶۰، اقدام ژنرالها در سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰) و آخرین مورد فشار نظامیان بر روی حکومت نجم الدین اربکان رهبر حزب رفاه بود که در نتیجه مجبور به کناره گیری از پست خود شد.<sup>۳۰</sup> در دوره ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳ تورگوت اوزال تا حدی موفق شد در زمینه های سیاست خارجی و مسایل امنیتی بر نیروی نظامی تسلط سیاسی پیدا کند. به جز این دوره، نیروی نظامی همواره بر رهبران احزاب و روند سیاسی کشور کنترل داشته است.<sup>۳۱</sup>

### ج. قبرس

یکی از عوامل مهم مناقشه بین ترکیه و اتحادیه اروپا، مسئله قبرس است که هر دو طرف در آن منافی دارند، اما نباید اجازه دهند این اختلاف دامنه دار شده و به درازا (از لحاظ زمانی) بکشد. در سال ۱۹۷۴ به دنبال کودتای دست راستی در قبرس که منجر به سرنگونی «اسقف ماکاریوس» شد، این نگرانی در میان رهبران ترکیه به وجود آمد که رهبران کودتا که از حمایت رژیم سرهنگان برخوردار بودند، جزیره قبرس را به یونان ملحق نمایند. بدین لحاظ با توجه به وجود تعداد ۱۸۰ هزار ترک ساکن در جزیره - که این الحاق در وضعیت آنان تأثیر داشت - نیروی نظامی ترکیه در سال ۱۹۷۴ به قبرس حمله برد و ۳۲ درصد از شمال جزیره را اشغال نمود.<sup>۳۲</sup> از این زمان تا کنون، قطعنامه های زیادی درباره این مسئله از سوی شورای امنیت صادر شد؛ نمونه ای از آن «طرح غالی» است که از طرف دبیرکل سازمان ملل پیشنهاد شد. چیزی که مسئله قبرس را به مسئله ای پیچیده تبدیل کرده، مسئله حیثیتی آن برای ترکیه است که راه را برای هر گونه همکاری مسدود می کند. دیگر اینکه عدم توجه به اقتصاد قبرس، این منطقه را از گردونه تحولات و رشد اقتصادی منطقه ای خارج کرده و بر بحران امنیتی افزوده است. اگر ترکیه بخواهد در مسئله قبرس چانه زنی قومی داشته باشد، ناچار باید به اقتصاد درمانده قبرس سرو سامان دهد.<sup>۳۳</sup>

#### د. نقض حقوق اقلیتها و مسئله کردها

مسئله کردها در ترکیه از زمانی آغاز شد که این کشور هویت خود را براساس ملیت مسلط ترک تعریف کرد. در پی این حرکت، کردها از ابراز هویت خود محروم شدند. بنابه تعریف کمال آتاتورک: «هرکس در مرز ترکیه زندگی می کند و شناسنامه ترکیه دارد، ترک است و وطن مهم تر از دین است. براین اساس فردیت شهروندان مهم تر از تبار و ایل و زبان آنان قلمداد می شود.»<sup>۳۴</sup> مسئله کردها را در روابط ترکیه با اتحادیه اروپا باید ذیل مقوله حقوق بشر مورد توجه قرار داد. کردها با تکیه بر فرهنگ خود تقاضای احیای هویت خود را دارند و با تشکیلات زیرزمینی موجب هراس دولت ترکیه شده اند. ترکیه با داشتن بیشترین جمعیت کرد نسبت به سه کشور ایران، عراق و سوریه، گامهای اندکی در جهت بهبود وضعیت زندگی افراد برداشته و همواره به بهانه های مختلف و با اعزام گسترده نیروهای ارتش به مناطق کردنشین، کردها را سرکوب کرده است. در کل، مسئله کردها در ترکیه مسئله ای حساس و دشوار است. ترکیه نه تنها با سرکوب اکراد نمی تواند راه را برای آرزوی دیرینه سیاستمداران ترک که همانا ورود به خانواده اروپایی است هموار کند، بلکه برای غرب مشخص کرده که با ادامه بحران کردها، نمی توان به ترکیه ای به ظاهر دموکراتیک توجه کرد.<sup>۳۵</sup> به هر حال، در پنج سال گذشته دولت ترکیه در راستای تأمین خواسته های کردها از جمله فراهم آوردن امنیت فرهنگی، خودمختاری فرهنگی، حق استفاده از زبان کردی و به رسمیت شناختن کردها به عنوان ملتی جداگانه، گامهای بلندی برداشته است.<sup>۳۶</sup> از راه حلهای پیشنهاد شده جهت حل مشکل کردها می توان به موارد زیر اشاره کرد: الف. تغییر سیاستهای موجود؛ ب. تدابیر اقتصادی؛ ج. حقوق فرهنگی؛ د. ادغام؛ و ه. فدراسیون.

#### ۳. مانع اقتصادی

اقتصاد ترکیه با وجود آزادسازی صورت گرفته، هنوز یک اقتصاد آزاد و فارغ از دخالت دولت نیست. این اقتصاد هنوز صنعتی نشده و ۴۰ درصد نیروی کار آن در بخش کشاورزی شاغل است. با وجود بحرانهای اقتصادی و مالی نمی توان منکر این واقعیت شد که ترکیه

پتانسیلهای بالای اقتصادی دارد و می‌تواند از آنها برای تسریع فرایند توسعه اقتصادی بهره‌برد، ولی مشکل اصلی همانا توزیع نامناسب ثروت در این کشور است. همین‌طور مشکلات ساختاری و نیز مشکلات اقتصادی کلان همچون ۱. بدهی زیاد؛ ۲. مشکلات بانکداری؛ و ۳. مداخله دولت، اقتصاد ترکیه را به مانعی در راه پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا تبدیل کرده است. گزارش سال ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا اعلام کرد که «اقتصاد ترکیه در سه حوزه بانکداری، کشاورزی و بخش دولتی نیازمند انجام اصلاحات است.»<sup>۳۷</sup> اقتصاد ترکیه، آمیزه‌ای از یک اقتصاد صنعتی مدرن با اقتصاد کشاورزی است. طبق آمار سال ۲۰۰۴، ۳۵/۹ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی، ۲۲/۸ درصد در صنعت و ۴۱/۲ درصد در بخش خدمات مشغول هستند. براساس آمار سال ۲۰۰۳، نزدیک به ۲۰ درصد جمعیت زیر خط فقر هستند. همچنین در سال ۲۰۰۴ سرانه تولید ناخالص داخلی ۷۴۰۰ دلار بود که در مقایسه با کشورهای صنعتی اروپا فاصله زیادی دارد. همین‌طور مطابق گزارش موسسه آمار دولتی، کل نیروی کار شاغل در ترکیه در سال ۲۰۰۴، ۲۱/۸ میلیون نفر و نرخ اشتغال ۴۳/۶ درصد بوده است. در همین سال، نرخ بیکاری نزدیک به ۱۰ درصد و جمعیت بیکاران در حدود ۲/۴ میلیون نفر بود.<sup>۳۸</sup> به هر حال، اقتصاد ترکیه یک اقتصاد در حال توسعه و درآمد سرانه این کشور حتی شاید قابل مقایسه با فقیرترین کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیست. ترکیه در حال حاضر کمتر از دو درصد تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد. ورود این کشور به اتحادیه اروپا تأثیر چندانی بر این اتحادیه نخواهد داشت، اما در مقابل این امر برای ترکیه پیامدهای چشمگیری دارد و می‌تواند تجارت خارجی ترکیه را تا ۴۰ درصد افزایش دهد.<sup>۳۹</sup>

تورم یکی از مشکلات عمده اقتصاد ترکیه است. بیماری تورم حتی در دهه ۹۰ نیز خود را در ساختار اقتصادی این کشور نشان داده است. گفته می‌شود درمان این بیماری منوط به حل کسری بودجه، کاهش نسبت استقراض بخش دولتی به تولید ناخالص ملی، کاهش کسری در حساب شرکتهای و مؤسسه‌های دولتی، یارانه در خریدهای دولتی و از میان برداشتن کسری در حسابهای مؤسسه‌های دولتی و بیمه‌های امور اجتماعی است.<sup>۴۰</sup> به هر حال، بحرانهای اقتصادی می‌تواند تغییرات مثبت سیاسی را مطلق کند و سرانجام راه را برای

اصلاحات مورد نظر اروپایی‌ها هموار نماید. کمیساریای گسترش (اتحادیه اروپا) گفته است: «این بحرانها تأثیری بر چشم انداز پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نخواهد داشت، اما ممکن است خطرانی را به وجود آورد. تورم بالای کسری بخش عمومی با عضویت اتحادیه اروپا ناسازگار است. تداوم بحران اقتصادی می‌تواند نگرانیهای موجود اروپا در مورد هم‌گرایی با ترکیه را تقویت کند.»<sup>۴۱</sup> بنابراین، توسعه اقتصادی ترکیه یکی از موانع اصلی الحاق است؛ اینکه چطور یک کشوری با داشتن جمعیتی معادل آلمان و فرانسه با توجه به اینکه جمعیت روستایی آن قابل مقایسه با اروپا نیست و منشأ اصلی مهاجرت کارگر است، می‌تواند وارد اتحادیه شود؟ از سوی دیگر، گفته شده است امکان کمکهای عظیم مالی با توجه به وسعت ترکیه وجود ندارد، در حالی که با کمکهای کمتری به کشور پرتغال می‌توان آن را در عرض چند سال به سطح بقیه اروپا رساند.<sup>۴۲</sup>

### پیامدهای منفی اقتصادی پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا

الف. هجوم کارگران ترک به بازار اروپا: الحاق ترکیه سبب هجوم کارگران ترک به اتحادیه اروپا می‌شود. در حالی که سطح بیکاری در اتحادیه اروپا نیز بالاست، طبیعتاً میزان بالای بیکاری، رشد بی‌رویه جمعیت و پایین بودن سطح نیروی کاردان و ماهر در ترکیه به این نگرانی دامن می‌زند. در حال حاضر حدود ۵ میلیون ترک که اکثر آنان را کارگران تشکیل می‌دهند، در کشورهای اروپایی و به طور عمده در آلمان وجود دارد.

ب. عدم وجود نظام توزیع درآمد صحیح: در کمیسیون اروپا در این خصوص چنین آمده است: توزیع درآمد در ترکیه خیلی نامتساوی است، هم از لحاظ منطقه‌ای و هم از لحاظ اجتماعی. براساس مطالعه‌ای که صورت گرفته این کشور تقریباً به سه منطقه تقسیم می‌شود: مناطق بزرگ استانبول، آنکارا و ازمیر با رقم شاخص درآمد سرانه ۱۴۸، منطقه غرب با رقم شاخص ۱۰۰ و آناتولی با رقم شاخص ۶۸. همچنین براساس مطالعات انجام شده، تجار و صنعتگران ترکیه با ۲۰ درصد جمعیت، ۵۶ درصد درآمد ملی را در اختیار دارند، در حالی که ۲۰ درصد دیگر جامعه تنها ۴ درصد درآمد ملی را در دست دارند.<sup>۴۳</sup>



ج. تحمیل بار سنگین بر اتحادیه اروپا: با توجه به مشکلات اقتصادی ترکیه، عضویت ترکیه بار مالی سنگینی را بر اتحادیه اروپا وارد خواهد کرد. به عبارت دیگر، اتحادیه اروپا باید هزینه و سرمایه‌گذارهای کلان مالی و اقتصادی روی اقتصاد ترکیه انجام دهد تا اقتصاد ترکیه به سطح کشورهای اروپایی برسد، در حالی که منفعت اقتصادی ترکیه به اتحادیه اروپا خیلی کمتر از اینهاست. بنابراین دولت ترکیه در ۲۸ دسامبر ۱۹۸۷، کاهش جدید نرخ تعرفه‌های گمرکی بر محصولات کشورهای بازار مشترک را به تصویب رساند و تعهدات خود را در این زمینه که معلق مانده بود بار دیگر از سرگرفت و به تبع آن جامعه اروپا در این خصوص تعهدات خود را آغاز نمود. مذاکرات می ۱۹۸۶ بروکسل، منجر به افزایش صادرات ترکیه به کشورهای جامعه اروپا شد. در سال ۱۹۸۷ صادرات ترکیه به کشورهای مزبور ۴۸ درصد و وارداتش از آن کشورها ۴۰ درصد بود. در سال ۱۹۸۹ و ۱۹۸۸ به ترتیب، صادراتش به ۴۳/۷ و ۴۶/۵ درصد و وارداتش ۴۸ و ۳۸/۴ درصد بوده است.<sup>۴۴</sup>

#### ۴. موانع منطقه‌ای

منظور از موانع منطقه‌ای، مشکلات ترکیه با یونان از جمله قبرس است که در بخش در موانع سیاسی آورده شده است.

#### ۵. موانع جهانی

##### الف. دوران جنگ سرد

در دوران جنگ سرد ترکیه بنا به دلایل زیر برای اروپا و آمریکا حایز اهمیت بود:

۱. ترکیه بر سر راه اروپا و آسیا قرار گرفته و مانند پلی اروپا را به منطقه راهبردی و پراهمیت خاورمیانه متصل می‌کرد؛
۲. موقعیت خاص جغرافیایی این کشور و قرار داشتن بین مدیترانه و دریای سیاه که موقعیت استراتژیکی به آن داده بود؛
۳. داشتن مرز مشترک آبی و خاکی با شوروی و بلغارستان؛

۴. ترکیه به همراه یونان، ایتالیا و پرتغال جزو جناح جنوبی ناتو بودند و در کنار دو منطقه مهم و بی ثبات یعنی بالکان و خاورمیانه قرار داشتند.

#### ب. دوران بعد از جنگ سرد

با فروپاشی شوروی، سیستم دوقطبی حاکم بر جهان جای خود را به نظام تک قطبی داد و فقدان تهدید شوروی به طور مؤثری محیط امنیتی در اروپا را به ضرر ترکیه تغییر داد. برای ترکیه و هر کشور دیگر، پایان جنگ سرد به معنای وقوع یک تحول بزرگ بود. این کشور دیگر نمی توانست همچون ایستگاه استراق سمع علیه شوروی عمل نماید. ترک ها احساس می نمایند که کشورهای غربی حاضر نیستند به چشم دیگری به آنان بنگرند. سیاستمداران ترک بر این باورند که پایان جنگ سرد نقش ژئواستراتژیکی ترکیه و روابط آن با غرب را تغییر داده است.<sup>۴۵</sup> این به معنای پایان آرزوی ترک هاست؛ زیرا آنان که در سال ۱۹۶۳ به عضویت جامعه اروپا درآمده بودند، به امید الحاق به جامعه اروپا از هیچ گونه کمکی به متحدان اروپایی خود در طول نزدیک به چهل سال گذشته دریغ نکردند و با تکیه بر موقعیت خود در سیستم امنیتی اروپا به ورود خود به اتحادیه اروپا امید داشتند، اما زمانی که ترک ها رسماً تقاضای خود را برای عضویت کامل در ۱۹۸۷ تسلیم نمودند، کمیسیون اروپا پاسخ داد که تقاضای ترکیه نمی تواند تا قبل از سال ۱۹۹۳ مورد رسیدگی قرار گیرد.<sup>۴۶</sup>

**آیا ترکیه شریک راهبردی اتحادیه اروپا خواهد شد یا به عضویت کامل آن در خواهد آمد؟**

با توجه به موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، به جرأت می توان گفت که حداقل تا ۲۰ سال آینده الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا غیرممکن است و حتی بعد از آن هم شاید احتمالش نباشد، ولی دور از انتظار نیست. احتمال اینکه اتحادیه اروپا، ترکیه را شریک راهبردی خود قرار دهد، به مراتب بالاتر از قبول عضویت ترکیه است؛ اما چرا شریک راهبردی؟

۱. ترکیه نقش مهمی در تأمین امنیت انتقال انرژی در قفقاز، آسیای مرکزی و

خلیج فارس به بازارهای جهانی از جمله اروپا دارد؛

۲. همکاری با غرب (آمریکا-اروپا) در جهت کنترل تسلیحات کشتار جمعی؛

۳. این کشور مدلی برای دولتهای قفقاز، آسیای مرکزی و بالکان به شمار می‌رود، مدلی که برخلاف الگوی ایران و عربستان منافع غرب را تهدید نمی‌کند. نقطه اتصال آسیا به اروپا، اسلام به مسیحیت و شرق به غرب در کنار نزدیکی این کشور به سه نقطه مهم و راهبردی خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی و بالکان باعث شده تا غرب این واقعیت را بپذیرد که ترکیه در ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد می‌تواند به مثابه یک نقطه اتکا برای غرب عمل کند؛

۴. اهمیت پیدا کردن کشورهای پیرامون و نیز انتقال مرکز بحران دنیا از قاره اروپا به مناطق دیگر جهان از دوران پس از جنگ جهانی دوم و به خصوص پس از جنگ سرد، از مهم‌ترین عوامل ساختاری است که اهمیت ترکیه را افزایش داده است.<sup>۴۷</sup>

علاوه بر این می‌توان گفت در شرایطی که اتحادیه اروپا در پی به دست آوردن مسئولیت بیشتر در دنیا است، ترکیه به عنوان یک شریک راهبردی، توانایی اتحادیه را در ایفای نقش در مناطقی همچون آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه، افزایش می‌دهد. اروپا در حال حاضر به رغم کمک مالی به فلسطینی‌ها، نقش اندکی در خاورمیانه دارد، اما می‌تواند در آینده با کمک ترکیه این نقش را پررنگ کند، چون ترکیه با هر دو طرف این درگیری (اسرائیل و فلسطین) روابط خوبی دارد و از اعتبار قابل توجهی برخوردار است. همچنین توان نظامی ترکیه و قابلیت‌های این کشور برای ایجاد پایگاه نظامی، به نفع سیاست دفاعی و امنیتی اروپاست. نیز ترکیه علاوه بر یک شریک ژئوپلیتیکی و نظامی، می‌تواند یک شریک راهبردی اقتصادی باشد. ترکیه از نظر اقتصادی نیز می‌تواند به وزن اروپا بیفزاید؛ اگرچه اقتصاد این کشور با کسری و نبود توازن روبه‌رو است، اما کشور ترکیه بزرگ بوده و منابع و نیروی کار جوان آموزش دیده‌ای دارد. جمعیت ۷۰ میلیونی ترک و دورنمای افزایش قدرت خرید آن، قابلیت‌های یک بازار خوب برای اروپا را دارد.<sup>۴۸</sup>

## چهار سناریوی اصلی در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا

چهار سناریو عبارتند از: ۱. با سرعت زیاد به پیش؛ ۲. انحراف حداقلی از مسیر؛ ۳. برخورد دایمی کلان؛ و ۴. داخل مسیر فرعی.

### با سرعت بالا به پیش یا انحراف حداقلی

هر دو طرف (ترکیه - اتحادیه اروپا) نیازمند این هستند که مشخص کنند چگونه رابطه راهبردی شان در حال اجرا بوده و دوام داشته باشد. تا آنجایی که به مسئله قبرس مربوط می شود، سناریوی با سرعت زیاد به پیش بر این دلالت دارد که ترکیه تعهداتش را در مورد باز کردن بنادر اجرا می کند. از سوی دیگر، در سناریوی انحراف حداقلی از مسیر، مسئله قبرس باقی خواهد ماند. در مثبت ترین سناریو، کمبود راه حل جامع و فراگیر در مورد قبرس، مسئله ای برای اتحادیه اروپا باقی خواهد ماند. در اینجا به تلاش سیاسی دولتهای عضو اتحادیه اروپا برای راه حلی جامع ذیل همکاریها و کمکهای مالی سازمان ملل و فشار سیاسی درون اتحادیه جهت اصرار بر اینکه قبرس نمی تواند و نباید مسئله مسلطی در مذاکرات ترکیه و اتحادیه اروپا شود، نیاز هست. این امر شامل توجه جدی و دایمی به ارتباطات داخلی در اتحادیه اروپا خواهد بود.

### برخورد دایمی کلان (توقف کامل مذاکرات و یا قطع مذاکرات فصل به فصل)

اگر اختلالی در روابط ترکیه - اتحادیه اروپا به وجود بیاید، به صورت تعویق یا پایان مذاکرات یک سری الزامات گسترده را به وجود می آورد. در صورت چنین برخوردی، مسئله قبرس و اختلال مذاکرات، به طور جدی چنین چشم اندازی را متصور خواهد کرد که برای اتحاد مجدد این جزیره، راهکارهایی وجود دارد. اگر این امر رخ دهد، هرگونه مذاکره جدید با سازمان ملل سخت خواهد بود. با قراردادان کلی این جزیره در اتحادیه اروپا، در صورتی که ترکیه اتحادیه گمرگی اش را به قبرس گسترش ندهد، گسستی جدی در روابط ترکیه - اتحادیه اروپا اتفاق خواهد افتاد که به یقین صدای ملی گرایان را تقویت می کند و شاید احزاب

ملی گرا را بیش از ۱۰ درصد در انتخابات آتی جلو بیندازد. بسیاری در ترکیه نگران هستند که یک برخورد جدی می تواند منجر به یک بحران اقتصادی کوتاه مدت همراه با فرار سرمایه و افت سریع در سرمایه گذاری مستقیم خارجی شود.

افت روابط با اتحادیه اروپا در سالهای گذشته، افزایش روابط ترکیه - آمریکا را به همراه می آورد، اما آیا هم اکنون این اتفاق می افتد؟ به یقین یک دوره از بی اعتمادی سیاسی و بحث جایگزین در گزینه های سیاست خارجی ترکیه باز خواهد شد. پیشتر بعضی ملی گرایان از سیاست خارجی مستقل ترکیه همچون اوکراین در قبال روسیه صحبت می کردند. همچنین ترکیه از باب امنیت انرژی هم یک بازیگر مهم برای اروپاست. این غیرمحمول است که ترکیه به طور ناگهانی فرآورده های انرژی و ترانزیت خود را قطع کند، اما هرگونه بحثی با اتحادیه اروپا درباره چنین مسایلی به طور حتم آسان نخواهد بود و طرحهای جدیدی همچون پروژه خط لوله گاز Nabucco (بین ترکیه، اتریش، بلغارستان، مجارستان و رومانی) می تواند در ابهام قرار گیرد.

#### داخل مسیر فرعی (کاهش تدریجی مذاکرات)

بیشترین احتمال این است که اتحادیه اروپا و ترکیه یک راه میانه ای برای بحران پیدا کنند. در اینجا مذاکرات آهسته تر و کم زیان تر به جای روابط گسسته اتحادیه اروپا و ترکیه پیشنهاد می شود، در این حالت هیچ طرفی ممکن نیست به طرف دیگر زیان بیشتر برساند. در این سناریو مذاکرات جهت ورود در بعضی اشکال تداوم خواهد یافت، اما در یک گام بسیار کاهش می یابد؛ تا زمانی که ترکیه تعهدات اتحادیه گمرکی خودش را کامل کند، با این حال مسئله قبرس باقی خواهد ماند.

در مجموع بهترین سناریو برای رسیدن به توافق در منطقه این است که اتحادیه اروپا به دنبال یافتن راههایی باشد تا بین یونان و قسمت ترک نشین قبرس مصالحه ایجاد کند و این شامل باز کردن بندر فاماگوستا زیر نظر اتحادیه اروپا یا سازمان ملل است، یا اینکه اتحادیه اروپا ارسال کمکهای مالی به شمال قبرس را تضمین کند. همه این موارد باعث پایان دادن به

انزوای شمال قبرس می شود. از جمله راهکارهایی که برای رسیدن به توافق می توان ذکر کرد، اعطای وضعیت ناظر حقوقی به بخش ترک نشین قبرس در شورا و پارلمان است. همچنین می توان زبان ترکی را به عنوان یکی از زبانهای رسمی اتحادیه اروپا اعلام کرد. با انجام چنین اعمالی ترکیه هیچ گونه دلیل منطقی برای مخالفت با باز کردن بنادر نخواهد داشت.

### نتیجه گیری

مسئله الحاق ترکیه، همواره در دستور کار ملی این کشور قرار داشته است. این کشور موفق شد در سال ۱۹۶۳ توافقنامه ای با جامعه اقتصادی اروپا امضا کند. در سال ۱۹۸۷ تقاضای رسمی عضویت مطرح شد، ولی این کشور برای الحاق، همواره با مشکلاتی مواجه بوده است. گرچه عمده نهادهای قدرت در ترکیه موافق الحاق ترکیه در اتحادیه اروپا هستند، ارتش هنوز از خود مقاومت نشان می دهد. با این حال، از سوی اتحادیه اروپا، موانع مهمی برای الحاق ترکیه مطرح شده است. موانع مذهبی- هویتی، حقوق اقلیتها، مشکلات سیاسی، اقتصادی، نقش نظامیان در سیاست، موضوعهای منطقه ای چون قبرس و مدیترانه، در این مورد جلب توجه می کند که در این میان، مانع هویتی، به عنوان جدی ترین مانع مطرح است. با این مانع اتحادیه اروپا بیشتر تمایل دارد که ترکیه بهتر است شریک راهبردی اتحادیه باشد تا اینکه به عضویت کامل آن درآید. برای همین ۴ سناریو مطرح شده است:

۱. با سرعت بالا به پیش؛ ۲. انحراف حداقلی از مسیر؛ ۳. برخورد دایمی کلان؛ و
۴. داخل مسیر فرعی. آنچه که در عمل اتفاق افتاده کاهش تدریجی مذاکرات بوده است. همچنین مسئله شراکت راهبردی ترکیه به ویژه در اتحادیه مدیترانه بیشتر مطرح شده است. آنچه مشخص است، اینکه مراکز قدرت در ترکیه اینک برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا پافشاری می کنند و سعی دارند نوعی اجماع ملی را به نمایش بگذارند.

## پاورقیها:

۱. عزیز نظافت، شورای اروپا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، ص ۳۱.
۲. نیلوفر قدیری، «ترکیه در اروپا»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۸، ۱۶ آبان ۱۳۸۳، ص ۱۲.
۳. سیداسدالله اطهری، «اصلاحات ترکیه و خواسته های اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۴، ص ۷.
۴. کتاب سبز ترکیه، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.
۵. داود کریم لو، «بررسی روابط ترکیه و جامعه اروپا»، مجله سیاست خارجی، شماره هفتم، زمستان ۱۳۷۲، ص ۵.
۶. داوود کریم لو، همان، ص ۶.
۷. شهرام چوبین، جerald گرین و ایان لسر، «جامعه و سیاست خارجه ترکیه در دوران پراشوب»، ترجمه رحمان قهرمانپور، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۰۵.
۸. نیلوفر قدیری، پیشین، ص ۱۲.
۹. بهزاد شاهنده، «تأملی در خصوص ترکیه و مسایل ساختاری و قومی آن»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۶۰.
۱۰. رحمن قهرمانپور، «تحولات ترکیه و چالشهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران»، کتاب امنیت بین الملل، ج ۱، تهران: موسسه مطالعات ابرار، ۱۳۸۳، ص ۸۷.
۱۱. سیداسدالله اطهری، پیشین، ص ۱۲.
۱۲. همان.
۱۳. رحمن قهرمانپور، «ترکیه و آغاز مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپا: درسهایی برای دولتمردان ایران»، ماهنامه برداشت اول، سال سوم، شماره ۲۱، ص ۵۵.
۱۴. رحمن قهرمانپور، «تحولات ترکیه و چالشهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران»، پیشین، ص ۲۹.
۱۵. همان، ص ۷۹.
۱۶. سیداسدالله اطهری، «ارتش و اسلام گرایان ترکیه: دو نیروی اجتماعی یک نظام»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰، ص ۳۲۸.
۱۷. گراسیموس، کارابلیاس، «تجربه روابط نظامیان و غیرنظامیان در ترکیه»، ترجمه: پریسا کریمی نیا، نگاه، شماره ۲۸، آبان ماه ۱۳۸۱، ص ۵-۶.
۱۸. رحمن قهرمانپور، «تحولات ترکیه و چالشهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران»، پیشین، ص ۷۸.
۱۹. قدیر نصری، «مسلمانان در اتحادیه اروپا: جایگاه و الزمات راهبردی»، گزارش پژوهشی، شماره ۱۷۹، ۱۳۸۴، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۱۷.
۲۰. همان، ص ۱۷-۱۸.
۲۱. رحمن قهرمانپور، ترکیه سناریوی اتحادیه اروپا و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، امنیت بین الملل (۱)، تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۸۶.
۲۲. قدیر نصری، پیشین، ص ۷-۸.
۲۳. رحمن قهرمانپور، «تحولات ترکیه و چالشهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران»، پیشین، ص ۸۳-۸۴.
۲۴. مهدی ذاکریان، حقوق بشر و خاورمیانه، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، تابستان ۱۳۸۲.
۲۵. داود کریم لو، پیشین، ص ۳.

۲۶. شهرام فرسای، «گسترش اتحادیه اروپا به شرق از اروپا تا واقعیت»، ماهنامه دیدگاهها و تحلیلهها، شماره ۱۴۹، ص ۵۵-۶.
۲۷. رحمن قهرمانپور، «تحولات ترکیه و چالشهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران»، پیشین، ص ۸۵.
۲۸. گراسیموس، کارابلیاس، پیشین، ص ۶۰.
۲۹. سیداسدالله اطهری، «ارتش و اسلام گرایان ترکیه: دو نیروی اجتماعی در یک نظام»، پیشین، ص ص ۳۳۸-۴۰.
۳۰. همان، ص ص ۳۲۸-۹.
۳۱. گراسیموس، کارابلیاس، پیشین، ص ۶۵.
۳۲. علی سرمدی، «علل اروپایی شدن ترکیه و پیامدهای عملی آن»، رساله ارتقاء مقام سیاسی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۱۹.
۳۳. بهزاد شاهنده، پیشین، ص ص ۶۵-۶۶.
۳۴. لینورجی عمارتی، دیمیترس کریدیس، «آینده سیاست خارجی ترکیه»، ترجمه و نقد قدیر نصری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۷۰.
۳۵. بهزاد شاهنده، پیشین، ص ۶۴.
۳۶. گراهام فولر، «الگوی راهبردی ترکیه: افسانه و واقعیت»، ترجمه داود حیدری، راهبرد، شماره ۲۸، آبان ۱۳۸۳، ص ۱۱.
۳۷. رحمن قهرمانپور، «تحولات ترکیه و چالشهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران»، پیشین، ص ۸۲.
۳۸. رحمن قهرمانپور، «اصلاحات اقتصادی در ترکیه و چالشهای پیش رو»، کتاب آسیا، تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴.
۳۹. جواد انصاری، ترکیه در جستجوی نقش تازه در منطقه، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۱۷۴.
۴۰. شهرام چوبین، جerald گرین وایان لسر، پیشین، ص ۱۷۴.
۴۱. رحمن قهرمانپور، «اصلاحات اقتصادی در ترکیه و چالشهای پیش رو»، پیشین، ص ۲۱۵.
۴۲. محمدرضا سولت، «روابط ترکیه و بازار مشترک»، رساله ارتقای مقام سیاسی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ص ۱۵.
۴۳. داوود کریم لو، پیشین، ص ص ۷۰-۱۵.
۴۴. جواد انصاری، پیشین، ص ۲۱۸.
۴۵. همان، ص ۲۲۰.
۴۶. زلمای خلیل زاد، ایان لسر و استفان لارابی، «آینده روابط ترکیه غرب به سوی یک صلح استراتژیک»، ترجمه رحمن قهرمانپور، ص ص ۲۹-۳۰.
۴۷. نیلوفر قدیری، پیشین، ص ۱۲.
48. Kirly Hugltes, *Turkey and The EU*, Chatham House, September 2006, p. 36-40.